

جنگ اجیران پاکستان در افغانستان تا حل «مسئله کشمیر»!

هموطنان محترم!

چند سال قبل طی مقاله رساله گونه از این جانب؛ مطالبی در مورد طالبان و طالبانی گری انتشار یافت که دارای نتیجه گیری ها و پیشبینی های نامبارکی بود. طی این سالها بار ها به درگاه آفریدگاری دعا میکردم که آن نتیجه گیری ها و پیشبینی ها غلط بر آید؛ من گنهگار شوم و هر مجازات دنیوی و اخروی که شایسته ام باشد؛ ببینم ولی ننگ هموطنانِ مزدورِ پاکستان داشتن؛ از من و هموطنان ملیونی ام دور گردد.

با دریغ و درد؛ نشد که نشد و اینک آخرین و پنهان ترین لایه های حقایقی که من فریاد کرده بودم، بالا آمد و به طرز حزن انگیز و جانسوز و استخوانگداز از پرده برون افتاد. از جمله در جریانات شیطانی که در کهندژ تاریخی یعنی کندوز نازنین مان تحمیل و تعمیل میگردد. شهر و شهریان کندوز الان در پنجال عفریت آتش و خون و مرگ و ماتم؛ نهمین روز گرفتاری چند باره خود را می گذرانند. درست به همان پیمانانه ایکه مرکز شرارت و جنایت اعظم جهانی در کاخ های قدرت امریکا و موٹلفان و غلامانش از جمله شرکت سیاسی - مافیایی ع و غ در افغانستان؛ سکوت پیشه کرده اند؛ گزارش ها و اطلاعات میدانی؛ بی نهایت هول انگیز و دارای شومترین عواقب برای بقا و سلامت افغانستان میباشد.



شایعات و اطلاعات مختلف از راه افتادن هلوکاست در برابر اقوام غیر طالب باشند بومی قندوز؛ و علایم آغاز و گسترش «فاجعه انسانی» به تمام معنی کلمه؛ ساعت به ساعت بیشتر می‌گردد. تمامی تجربه هاییکه در لایراتوار دوزخی امساله و پارساله و پیرار ساله و سالهای آنسو تر کندوز متراکم گردیده نفی کننده شعار و آرمان وحدت ملی و همه چیز هایی از این ردیف است. آنچه در توجیه توحش و داعش گری طالبان این روز ها از زبان والی کندوز و نماینده رئیس جمهور غنی؛ پرت شده غالباً به معنای مهر و سجنلهایی این روند شوم میباشد.

به حواله خبرگزاری ها جناب ملا اسدالله امر خیل نایب رئیس جمهور؛ روشنایی بخشوده است که: «فرمان مرگ مردم کندز از طرف الله تعالی صادر شده اگر آنها در صندوق آهنین هم پنهان شوند؛ نجات ندارند. ما الحمدالله مسلمان استیم؛ بدون فرمان پروردگار؛ کس به توپ و تانک کشته شده

نمیتواند.» <http://facebook12.com/1769766736627511>

به اساس مذهب طالبان و طالبانیسم؛ معلوم است که کدام اقوام و کتله ها در افغانستان مسلمان استند و کدام ها نه. که به همان اساس فرمان مرگ و نابودی و خاکستر و آواره کردن شان گویا توسط

الله تعالی صادر میشود و توسط طالبان مسلح سنگر والا و ارگ والا و کویته والا و پشاور والا و چوکی والا و مسجد والا و مدرسه والا... تطبیق میگردد.

البته فراتر از اینها دیده و شنیده ایم که جناب اولی الامر! سابق و زعیم ملی اتمر خانی کنونی حامد کرزی!! در زمینه چه فتوا نازل فرموده اند:



در پاسخ به گزارشگر بی بی سی:

"طالبان افغان هستند و یک قوت افغان یک منطقه را تصرف می‌کند؛ ما نیز افغان هستیم و هرگاه یک منطقه را تصرف می‌کنیم ما چی حق داریم. اگر همه ی ما افغان استیم پس یک افغان چرا افغان دیگر را می‌گوید که تو این منطقه را گرفته نمی‌توانی".

آری! طالب ها افغانِ مزدور جنگی و لشکر برون مرزی پاکستان استند و به همین خاطر هم بود که جناب کرزی در طی اقتدار 14 ساله امریکا داده اش؛ بیش از بیست بار به آستانبوسی زعمای پاکستان شتافت که مگر آنان را به رحم و کرم آورد که از استعمال ابزاری و جنگی بیشتر و بیشتر طالبان علیه افغانستان یعنی وطن افغانها دست بردار شود که نشد و جانشینش غنی متفکر و متخصص دولرداری های ورشکسته؛ دو باره و چند باره این آزموده را نه به تنهایی که همراه با امریکایی ها و چینی ها و عربها و یهودی ها و ملل متحدی ها... آزمود ولی ذره ای تفاوت در وضع آورده نتوانست.

بالاخره پاکستان شف گفتن را کنار گذاشته و برای نخستین بار، تأمین صلح در افغانستان جنگزده را علناً به حل بحران کشمیر پیوند زده و گفته است که صلح در کابل و کشمیر را نمی توان جدا از هم طبقه بندی کرد.

به گزارش تایمز آف اندیا، مشاهد حسین، مسئول کمیته دفاع و صنایع دفاعی در مجلس سنای پاکستان و فرستاده ویژه پاکستان در باره معضل کشمیر، در یک نشستی که در اتاق فکر مرکز ستیمسون در واشنگتن برگزار شده بود؛ گفت:

«زمانی شما از صلح در کابل سخن می‌گویید، به معنای آن است که در رابطه با کشمیر دروغ می‌گویید. شما نمی‌توانید این دو را جداگانه طبقه بندی کنید. شما نمی‌توانید هر کدام را یک بخش علیحده

در نظر بگیرید. آری، در کابل صلح برقرار می کنید و در عوض، اجازه می دهید کشمیر در آتش بسوزد. چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. »

http://www.razaqmoon.com/2016/10/blog-post_97.html#more

مردم افغانستان! اعم از اینکه از کدام قوم و طایفه و مذهب هستید؛ آیا هنوز لازم است برای شما؛ روشن ساخته شود که طالبان؛ ملشیای پاکستانی بودند و جنگاوران پاکستانی هستند و از جانب پاکستان در افغانستان؛ جنگیده اند و می جنگند.

در غیر آن؛ در افغانستان؛ یک طرف جنگ؛ فوج و اردوی پاکستان بایستی بوده باشد تا این بلند گوی پاکستانی بتواند بگوید تا وقتیکه در کشمیر صلح نشود؛ در افغانستان صلح اتفاق نمی افتد. (یعنی که پاکستان؛ نمیگذارد که اتفاق بیافتد!)

کشمیر کجا و جهاد و طالبان برادر حامد کرزی کجا که اگر کندوز و امثال آنرا بگیرند هم دارای همان «حق» اند که ما بقیه مردم افغانستان و دولت قانونی و منتخب آنان هستیم!؟

مردم افغانستان! اگر هنوز نفهمیده اید؛ هرگز نخواهید فهمید که از خود دوست یعنی چی و بیگانه دشمن یعنی کی!؟

پاکستانی و پاکستانپرست فقط از عمل و نتیجه عملش شناخته میشود نه از شاخش و از دُمش! عمل و نتیجه عملکرد کسان در ارگ و شورای امنیت ملی و مقامات قوای مسلح و احزاب و تنظیم ها و منبر ها و در ولایات و محلات و در میادین جنگ و در مدارس و مراکز تربیت و ترینینگ جنگنده های طالبی و انتحاری و انفجاری... به کرات و مرات ثابت ساخته است که جهاد افغانستان و بخصوص «جهاد امارت اسلامی» افغانستان برای قدر قدرت شدن پاکستان و منجمله برای حل و فصل مسأله کهنه و برابر با عمر ننگین پاکستان یعنی مسأله کشمیر و حل و فصل مشکلات سرحدات پاکستان با هندوستان است که در برابر این غایه منطقی و جهانی؛ چیز هایی مثل به رسمیت شناختن خط دیورند بالای حکومت افغانستان؛ و یا گم و گور کردن بنیادی این مسایل در وجود صوبه پنجم پاکستان گردانیدن افغانستان و ایجاد کانفدراسیون پاک - افغان جناب حکمتیار؛ هدف های تاکتیکی ناچیزی به حساب می آید.

دو راه بیشتر باقی نمانده است یا افغانستانی ها؛ افغانگری طالبانی را که پاکستانخواهی و پاکستانپرستی اظهر من الشمس است؛ تشخیص و تجرید و نابود میگردانند و یا توسط هلوکاست طالبانی - پاکستانی؛ چنانکه بلندگوی ولایت مآب شان (ملا اسدالله امر خیل) صراحت بخشیده که؛ حکم

آن توسط الله تعالى صادر گردیده؛ به گونه هایی مانند کوی و برزن و خیابان کندوز تا گهواره گی ها
محو و نابود ساخته میشوند!